

بررسی تطبیقی مدیریت اغتشاشات در جمهوری اسلامی ایران و فرانسه

علی پورخزایی^۱

محمدعلی حکیم^۲

چکیده

امنیت از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران همه نظام‌های سیاسی است، به‌طوری‌که هر حکومت برای رسیدن به این غایت، از ابزارها و روش‌های گوناگونی استفاده می‌کند. یکی از چالش‌های جدی مغل امنیت دولت‌ها، پدیده آشوب‌ها و اغتشاشات مردمی در قلمرو سرزمینی است و هر حکومتی برای استقرار و پایداری امنیت از متد و روش‌های پذیرفته‌شده جهانی و همچنین مدل ویژه خود بهره می‌برد. منشاء تکوین پدیده ناآرامی یا اغتشاشات در واحدهای سیاسی گوناگون، منبعث از موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است؛ اما دکترین مدیریت بحران‌های مذکور با رعایت ملاحظات فرهنگی و ایدئولوژیکی هر کشور، دارای تشابهات، تمایزات و تفاوت‌هایی می‌باشند، بنابراین در پژوهش پیش رو، مؤلفه‌های مدیریت اغتشاشات در کشور فرانسه و تطبیق آن با جمهوری اسلامی ایران موردبررسی و دقت نظر قرار گرفته و نتایج و یافته‌های قابل توجهی حاصل شده است. به‌طوری‌که مبنای مدیریت اغتشاشات در کشور فرانسه بر پایه یک راهبرد دوگانه؛ «بازدارندگی و اقدام خشن» بنانهاده شده، اما دکترین مدیریت اغتشاشات در نظام مقدس ج.ا.ا. با استفاده از روش بصیرت‌افزایی و آگاه‌سازی ملی با اتکا به حمایت و پشتیبانی سرمایه اجتماعی (حضور مردم در صحنه) و همچنین مؤلفه‌های پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله، ترمیم و بازسازی انواع بحران‌ها مدیریت می‌شوند.

واژگان کلیدی

اغتشاشات، الگو، امنیت، مردم، مدیریت

۱. مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، ali.porkhazai@hmail.com

۲. دانشجوی دکترای علوم سیاسی و مدرس دان. افسری و ت.پ امام حسین(ع)، mohammadali.h86@gmail.com



امنیت داخلی وضعیتی از تفوق نظم، قانون و رعایت عدالت در جامعه است به گونه‌ای که شهروندان در سایه‌ی آن از تهدید و خطر در امان بوده و برای حفظ و پاسداری از حقوق خود و برطرف کردن زمینه‌ها و عوامل تعرض احتمالی، اطمینان خاطر یابند. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث برهم خوردن امنیت داخلی می‌شود، اغتشاش‌های شهری است که در این تحقیق سعی شده تا حد ممکن موردنظر قرار گیرد.

تحقیق حاضر بر اساس مطالعه مدیریت اغتشاش در کشور فرانسه و تطبیق آن با جمهوری اسلامی ایران موردبررسی قرار گرفته است مدیریت اغتشاشات در کشور فرانسه یک راهبرد دوگانه بازدارندگی و اقدام بنانهاده شده است. مبنای بازدارندگی، اقدامات خشن پلیسی است که بازدارندگی را فراهم می‌آورد؛ اما راهبرد دوم مبتنی بر سه وظیفه مهم پیشگیری، اعزام نیرو و حفاظت است. اجرای برنامه‌های اصلاحی در حوزه‌های مختلف نظیر کاهش و یا حذف مالیات‌های مستقیم و بهبود خدمات عمومی، در جمهوری اسلامی ایران بعد از دفاع مقدس و برای توسعه اقتصادی و سازندگی کشور توسط رئیس‌جمهور وقت به علت سوء مدیریت و عدم رسیدگی به قشر آسیب‌دیده کشور باعث ایجاد نارضایتی‌هایی در سطح جامعه شد و به علت مدیریت ناصحیح باعث ایجاد نارضایتی‌های بعدی شد با شکل‌گیری انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی، حضور مردم در جای جای نهادهای انقلاب، باعث رابطه تنگاتنگ مردم و حکومت گردید و چنانچه در هر جا از کشور ناامنی و اغتشاش روی می‌داد، این خود مردم بودند که با بصیرت، مسئله را حل و فصل می‌کردند. الگوی مدیریت اغتشاشات در ج ۱۱ پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله، ترمیم و بازسازی است و بر پایه آگاه‌سازی مردم و کمک و حمایت مردم از نظام پابرجاست اما با توجه به دخالت کشورهای بیگانه و دشمنان انقلاب برای برخورد با عناصر بیگانه از قدرت پلیس نیروهای نظامی استفاده می‌شود اما اصل بر مدارا کردن با مردم و صبر و شکیبایی پلیس و حداقل خشونت و اقدام در جهت رفع مشکلات مردم می‌باشد که با ورود به بحث و بررسی الگوی مدیریت اغتشاش‌ها در کشور فرانسه و تطبیق آن الگو با مدیریت اغتشاشات در ایران گامی هرچند کوچک در این راه برداشته و مدخلی را بر این دشت وسیع بازگشاید. در این خصوص چگونگی برخورد نیروهای





دولتی با اغتشاش گران و روشن بودن الگو بیش تر مورد تأکید قرار می گیرد تا کاربر را در چگونگی مواجهه با اغتشاش های مختلف یاری نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اغتشاش های شهری را می توان از جمله پدیده های رو به رشد در جوامع مدرن امروزی ارزیابی کرد که به دلیل شرایط نوین سیاسی اجتماعی، گونه های مختلفی از آن ها پدید آمده است. این وضعیت دلالت بر آن دارد که مطالعه پدیده اغتشاشات شهری یک ضرورت نظری کاربردی است؛ که از اهمیت بالایی برخوردار است بنابراین، می توان از اهمیت و ضرورت طراحی «الگوی مدیریت اغتشاشات» سخن گفت که هر بازیگری لازم است متناسب با شرایط و امکانات خود جهت مدیریت آن اهتمام ورزد. از طرفی امروزه جامعه شناسی سیاسی در مقام معرفت افزایی و کشف، تبیین و تدوین محیط های اجتماعی، سیاسی و در ذیل آن مباحث مربوط به دگرگونی های اجتماعی و اغتشاش های داخلی در کشورها از سابقه چندانی برخوردار نیست. از همین روی، حوزه به نسبت فراخ و پراهمیتی از موضوعات مربوط به ثبات و بی ثباتی سیاسی، اغتشاش و بی نظمی و انگاره های پژوهشی مختلف وجود دارد که در عمل بکر و دست نخورده باقی مانده است. تحقیق حاضر با عنایت به این کمبودها تلاش دارد. در راستای مرتفع سازی نیازهای زیر گامی علمی جهت استفاده کاربران مدیریت بحران برداشته باشد.

۱. بررسی علمی دو راهبرد متفاوت از مدیریت ناآرامی های اجتماعی؛
۲. تلاش برای تحقق روش اسلامی ایرانی مدیریت بحران؛
۳. شناساندن نقاط ضعف و قوت روش های کاربردی دو کشور ایران و فرانسه؛
۴. شناخت دقیق و دفاع از فضیلت های انسانی امنیت ساز در نظام جمهوری اسلامی ایران؛
۵. نشان دادن ادبیات استفاده از بسیج عمومی (سرمایه اجتماعی) علیه ناآرامی های اجتماعی؛
۶. ایجاد امنیت پایدار در سطوح مختلف.

اهداف کلی مدیریت اغتشاش

هدف کلی، بهینه سازی فعالیت های مقابله با اغتشاش و به حداقل رساندن خسارات





ناشی از آن است. در نهادهایی مانند استانداری‌ها، مدیران هدف‌هایی دارند و باید بکوشند تا با بهره‌گیری از کمترین منابع به آن‌ها دست یابند. در مدیریت اغتشاش نیز بهبود بهره‌وری با توجه به اهمیت حیاتی عملیاتی آن، از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. در ابتدا مدیریت زمان لحاظ می‌شود که در آن مدیر موظف است هزینه‌ها و مدت پروژه‌ها را کاهش و تعداد و کیفیت پروژه‌ها و فعالیت‌ها را جهت نیل به اهداف افزایش دهد. به عبارت دیگر زمان شروع واکنش و امدادسانی، هزینه عملیات برای امدادسانی و بازسازی باید کاهش یابد. از طرف دیگر حجم عملیات آمادگی، امدادسانی و بازسازی، کیفیت عملیات آمادگی، امدادسانی و بازسازی، سطح آمادگی مقابله با اغتشاش و حجم اقدامات بازسازی و عادی‌سازی باید افزایش یابد.

واکاوی ادبیات موضوع

مدیریت اغتشاش

مدیریت اغتشاش عبارت است از به‌کارگیری مجموعه‌ای است از شیوه‌ها و تدابیر که به وسیله آن‌ها کنش و تهدید ایجادشده را تقلیل داده و درنهایت و در صورت امکان آن را از بین می‌برند. مدیریت اغتشاش هنری است که از رهگذر آن دولتمردان، نخبگان و بازیگران در صحنه، نقش تعیین‌کننده خود را در حضور و غیابشان، به نمایش می‌گذارند. به دیگر سخن، مدیریت اغتشاش هنر فهم و درک این مهم است که چگونه از یک اغتشاش دوری جوئیم و در صورت وقوع چگونه به سلامت از آن عبور کنیم.

زمانی که افراد با اغتشاش مواجه می‌شوند ممکن است اشتباهات زیادی از آنان سرزند. هدف اصلی مدیریت اغتشاش دستیابی به راه حل معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی و کاهش اشتباهات است به گونه‌ای که منافع و ارزش‌های اساسی نظام، حفظ و تأمین گردد. این هدف دربرگیرنده سیاست‌های جاری است و فرایندهای اجبار و انطباق را پی می‌گیرد تا درنهایت به گرفتن بیشترین امتیازات ممکن بیانجامد و موفقیت و جایگاه خودی تا حد امکان بدون هرگونه تزلزل حفظ شود. (کریمائی، ۱۳۸۴: ۴۳)





اصول مدیریت اغتشاش

مدیریت اغتشاش، واژه‌ای است که برای پاسخ‌دهی به موقعیت‌های اغتشاش‌آمیز به کار می‌رود. مک کارتی مدیریت اغتشاش را دربرگیرنده‌ی اصول کلی زیر دانسته است:

۱. اصل محدودیت اهداف

به‌منظور گریز از اوج‌گیری بی‌حاصل اغتشاش، طرفین درگیر در اغتشاش باید اهداف خود را محدود کنند. البته برای رسیدن به این هدف، آگاهی از میزان قاطعیت اغتشاشگران لازم است تا بتوان مقاومت آن‌ها را سنجید. در این رابطه سیستم امنیتی در کسب داده‌های لازم راجع به قابلیت‌ها و نیت اغتشاشگران نقش مهمی ایفا می‌کند.

۲. اصل نیاز به اطلاعات

اطلاعات در سنجش مقاومت موجود علیه نیت هر یک از طرفین به‌کاررفته و نمایانگر این هنجار است که تصمیم‌گیری باید مبتنی بر تصور واقعیت باشد؛ بنابراین سیاست‌گذاری باید بر اساس مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و محدودیت‌های فردی در مقایسه با شاخص‌های اغتشاشگران صورت گیرد.

۳. مهار ابزارها برای دستیابی به اهداف و مشروعیت

به‌منظور جلوگیری از هرگونه افزایش تنش‌های حاصل از اغتشاش، طرف‌های درگیر باید در بهره‌گیری از ابزار زور و اهرم فشار، محدودیت‌هایی برای خود قائل شوند. زیرا این‌یک اصل کلی است که ابزار مورداستفاده برای پاسداری از هدف، نباید از حداقل موردنیاز فراتر رود. زیاده‌روی در به‌کارگیری نیروهای انتظامی و نظامی، باعث ایجاد مقاومت بیش‌تر در طرف متخاصم می‌گردد. چنانچه سون‌تزو می‌گوید: در هر موقعیت اغتشاش‌آمیز، باید برای اغتشاش‌سازان شرایطی فراهم کرد تا بتوانند باوقار و متانت و بدون آبروریزی از معرکه عقب‌نشینی کنند. به‌گونه‌ای که بدون هزینه کرد بیش‌ازحد، بتوان به راه‌حلی برای اغتشاش دست‌یافت. لذا استفاده از اهرم زور باید به‌هنگام، مناسب، برخوردار از حمایت مردمی و با احتمال بالای موفقیت بوده و تنها در مرحله‌ی آخر مورداستفاده قرار گیرد.



۴. برنامه‌ریزی شرایط اضطراری و توانمندی‌های مربوطه

کلید مدیریت اغتشاش موفق، توانایی مدیر برای برنامه‌ریزی شرایط اضطراری و توانمند ساختن واحدهای پاسخگو به‌منظور انتقال از شرایط عادی به شرایط اغتشاش آمیز است.

۵. اصل ارتباط

سبک و سیاق مدیریت اغتشاش و ماهیت رابطه‌ی تولیدکننده مصرف‌کننده، نقشی مهمی در تعیین شیوه دستیابی به ارتباط دارد. برای تضمین پاسخ یکپارچه و منسجم و ارتباط هماهنگ و استفاده مؤثر از منابع، تمرکز قدرت الزامی است. بر اساس این رهیافت در جریان اغتشاش، مدیریت، تحت تأثیر منافع کوتاه‌مدت نظرانه واقع نشده و وجود تهدید مشترک همانند عامل انسجام بخش عمل کرده و رهیافتی واحد را به مدد افراد و سازمان‌های درگیر ماجرا می‌آفریند. میان فرد و سازمان همچون واحدی منسجم، تیم‌هایی وجود دارند که در مدیریت اغتشاش نقش ایفا می‌کنند. (چیدری، ۱۳۸۱: ۱۷۶)

پیشینه تحقیق: پژوهش‌های متعددی از به‌وسیله پژوهشگران و متخصصان امنیتی، حول محور مدیریت بحران و آرام‌سازی به‌عمل آمده است، در ادامه بر برخی از تحقیق‌های همسو با موضوع اشاره می‌گردد:

الف) جدی، سید مجید/ (آبان ۱۳۸۳) «بررسی مدیریت بحران در زمینه امنیت داخلی و ارائه الگوی بهینه در این مورد» موردپژوهش وقایع کوی دانشگاه تهران ۱۸ الی ۲۳ تیرماه ۱۳۷۸ [رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی]
این تحقیق با اهداف مشخص کردن سیر مدیریت بحران در زمان بروز حادثه ۱۸ تیر، دستیابی به علل تحقق یا عدم تحقق اصول مدیریت بحران در کنترل حادثه در روز ۱۸ تیر، میزان تأثیرگذاری انسجام نخبگان سیاسی و امنیتی در کنترل بحران و ارائه الگوی بهینه در کنترل بحران‌های داخلی انجام شده است.

در این تحقیق با توجه به مطالعات اکتشافی اولیه خصوصاً مصاحبه با تنی چند از دست‌اندرکاران مدیریت بحران‌های گذشته دو فرضیه در نظر گرفته شده است و در رابطه با فرضیه اول تحقیق سه اصل:

۱. اصل تحدید بحران؛

۲. اصل وحدت تلاش‌ها؛

۳. اصل کاربرد حداقل خشونت مبنای مطالعه قرار گرفته‌اند.

ب) فتحی‌زاده دهکردی، علی (۱۳۸۱) «نقش جنبش اصلاحات در شفافیت و تحول جناح‌بندی سیاسی و توسعه حزب» [دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران] در این پژوهش به استناد قرائن و شواهد و اظهارنظرهای صاحب‌نظران دانشگاهی و مسؤولین سیاسی کشور نشان داده می‌شود که جنبش اصلاحات طی سال‌های ۱۳۷۶ به بعد جناح‌بندی سیاسی کشور را شفاف‌تر کرده و بسترهای لازم را برای توسعه حزب ایجاد نموده و این امر موجب ظهور احزاب سیاسی جدید شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه مسؤولین سیاسی کشور و صاحب‌نظران بر ضرورت تشکیل احزاب استوار شده است. احزاب سیاسی به صورت رسمی و قانونی و همراه با مرامنامه و اساسنامه و عضوگیری رسمی و تشکیل کنگره‌های سالانه و اعلام مواضع رسمی شکل‌گیری و فعالیت خود را شروع نموده‌اند. ظهور احزاب جدید همچون مشارکت، همبستگی، مدافعین پیام دوم خرداد، کارگزاران سازندگی، تمدن اسلامی، فرزندان ایران، مردم، کار و... محصول این وضعیت هستند.

پ) جیرانی، هوشنگ (۱۳۷۷)/ «جنبش دانشجویی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]

در این پژوهش سعی شده است تا رابطه میان رشد و افول جنبش دانشجویی ایران که از طریق مسالمت‌آمیز فعالیت می‌کرد تا با رشد اقتدار و استبداد نفتی محمدرضا بررسی و نقش استبداد مذکور در ظهور جنبش‌های دانشجویی در دایره جنگ‌های چریکی و نمونه خارج از کشور آن مورد و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. فرضیه این تحقیق عبارت است از: «با ضعف در ارکان رژیم دیکتاتوری محمدرضا شاه، جنبش دانشجویی به‌مانند دیگر احزاب و گروه‌ها، در صحنه سیاسی جامعه فعال شده و اقدام به طرح خواسته‌های صنفی و سیاسی خود کرده است و با قدرتمند شدن و افزایش اقتدار رژیم، جنبش دانشجویی در وجه مسالمت‌آمیز آن گرچه به واسطه فشار و سرکوب شدید دچار رخوت و سستی شد ولی در دو قالب جنبش‌های چریکی و جنبش دانشجویی خارج از کشور به حیات خود ادامه و از سال ۴۲ تا انقلاب ۵۷ وارد دوره نوینی از مبارزات خود شد.»





ت) اسماعیلیان، علی (۱۳۷۸)/ «بررسی جنبش دانشجویی در نظام جمهوری اسلامی ایران» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]

این پژوهش در صد بررسی این سؤال اساسی است که جنبش دانشجویی چه تأثیری در تحولات سیاسی، اجتماعی بعد از انقلاب داشته است. در رابطه با سؤال اصلی فوق فرضیاتی به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

۱. جنبش دانشجویی مولود شرایط قبل از انقلاب بوده و حیات سیاسی خود را در ایجاد هسته‌های مقاومت علیه نظام حاکم وقت تعریف نموده است.

۲. جنبش دانشجویی در بعد از انقلاب محلی برای فعالیت نداشته و دوران افول و انفعال خود را طی نموده است، اما در عین حال با حفظ زمینه‌ها، نقش خود را در دوم خرداد ۱۳۷۶ باز یافته است. برای پاسخ به سؤال اصلی و بررسی فرضیات فوق سعی شده است یافته‌های پژوهش در زمینه جنبش دانشجویی ارائه شوند و روند انفعال و فعالیت آن بخصوص بعد از انقلاب اسلامی که محور پژوهش بر آن واقع شده است بررسی گردد.

ث) بنی‌زاده موحد خامنه، سیما (۱۳۸۰)/ «بررسی تأثیر حکومت در مشارکت سیاسی دانشجویان در سال‌های (۷۶-۱۳۶۸)» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]

دغدغه اصلی این پژوهش در پس این سؤال قرار گرفته که چرا بیشتر فعالیت‌های سیاسی دانشجویان در ایران از نوع قهرآمیز و حرکت‌های خشن است. در بیشتر موارد به جز استثنائاتی در تاریخ ایران رابطه حکومت با دانشجویان رابطه‌ای سلطه‌گرانه و سرکوبگرانه بوده و چنین ارتباطی غالب اوقات دانشجویان را به انفعال کشانده است و در نتیجه هرگاه جامعه (به‌طور عام) و دانشجویان (به‌طور خاص) فرصتی یافته‌اند، به دلیل عدم وجود یا ضعف نهادهای مدنی، رفتارهای سیاسی به خشونت و سرکوب گراییده است.

ج) چاکر الحسینی، حبیب‌الله (۱۳۸۱)/ «بررسی نقش مشارکت سیاسی در امنیت ملی ایران». [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]

اهم یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از: در استقرار سازوکارهای امنیت پایدار و در تبیین ضرورت پرداختن به امنیت معطوف به اقتدار فرهنگی نقش مردم بیش از هر اقدام سخت افزارانه‌ای حائز اهمیت است. چراکه برآیند مطلوب هر نظام سیاسی که چگونگی فضای امنیتی جامعه نیز متأثر از آن است، عبارت از میزان رضایتی است که آحاد مردم





از عملکرد آن نظام در تعامل با محیط پیرامونی دارند. در شرایط امنیت معطوف به اقتدار فرهنگی زمینه بسط و توسعه آئین‌های مدنی، باورهای مشترک و پیشگیری از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی فراهم گردیده و با تولید و بازتولید ارزش‌های انسانی در جامعه، سایر ارزش‌های حیاتی که منافع ملی، اهداف ملی، امنیت ملی و ... ترجمان آن هستند، تضمین خواهد شد. در غیر این صورت با ایجاد گسست در مبانی اجتماعی و سیاسی و باورهای عمومی که نتیجه بلامعارض عدم پیوند و تعامل بین مردم و دولت است، امنیت ملی نیز در مقابل انواع آسیب‌ها شکننده بوده و درواقع حساسیت‌هایی که می‌باید به‌طور متعارف و طبیعی حل‌وفصل گردد به تهدیدی مبدل می‌شود که کل نظام را با مخاطره جدی روبرو می‌سازد.

چ) حسن‌زاده، خلیل (۱۳۸۱) / «بررسی رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با امنیت و بحران در ایران» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]

راهبردها و سیاست‌های تدوین‌شده برای بالا بردن توان ضریب اشتغال در راستای مبارزه علیه بیکاری بعد از انقلاب اسلامی و همچنین در سایه برنامه‌های اول و دوم و سوم توسعه کشور، شکاف بین عرضه و تقاضای موجود را نه تنها تأمین ننموده است بلکه هرروز به ابعاد این شکاف اضافه می‌گردد. مسئله این است که موضوع اشتغال بعد از انقلاب اسلامی همواره یک مسئله سیاسی محسوب می‌شده است و شیوه برخورد با آن تابع اقتضاها و سیاست‌های امنیتی و بحران‌های سیاسی بوده است. بنابراین بیکاری به‌عنوان یک میانجی و حلقه واسطه میان عدم توسعه سیاسی و عدم توسعه اقتصادی در تشدید این توسعه‌نیافتگی مؤثر می‌باشد. بنابراین، این معضل باعث تداوم دور باطل می‌شود. به‌هرحال لازم است با استفاده از انواع وسایل و ابزار بتوان از خارج شدن مسئله بیکاری از حالت اقتصادی صرف به شکل یک مسئله سیاسی و امنیتی جلوگیری نمود.

روش تحقیق

نوع تحقیق اکتشافی و باهدف کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی و تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به روش اسنادی، از طریق مطالعه کتب، نشریات و فصلنامه‌های تخصصی و همچنین تحقیقات به‌عمل آمده در زمینه موضوع می‌باشد شیوه جمع‌آوری به



طریق فیش برداری و همچنین جستجو در تارنمای اینترنت صورت گرفته است

فرضیات

این مطالعه از نوع اکتشافی بوده و نیازی به فرضیه ندارد.

تبصره: در تحقیق حاضر تلاش می شود تا از تجارب مثبت این الگو، متناسب با شرایط ایران استفاده شود. لذا در نهایت یک الگوی بومی طراحی خواهد شد که نوآوری تحقیق حاضر می باشد و جنبه اکتشافی دارد.

تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

مدل چهار لایه ای مدیریت اغتشاش

این مدل یک مدل اجرایی مدیریت اغتشاش است که در آن چهار عامل نقش تعیین کننده ایفا می نمایند. لایه اول انسان، رفتار و شخصیت اوست که می تواند در مقابله با اغتشاش یا برخورد انفعالی با اغتشاش نقش داشته باشد. تجربیات و آموخته های افراد، میزان نگرانی و اضطراب یا خونسردی و حفظ آرامش آن ها در زمان وقوع اغتشاش و سایر ویژگی های شخصیتی و روحی افراد، عاملی مؤثر در مدیریت اغتشاش به شمار می رود. بدین جهت تلاش های مدیریت در مقابله با اغتشاش به میزان زیادی وابسته به افرادی است که هسته اصلی مدیریت محسوب می شوند.

مدل چهار لایه ای مدیریت بحران

انسان، رفتار و شخصیت او، تجربیات و آموخته های افراد، میزان نگرانی و اضطراب یا خونسردی و حفظ آرامش آن ها در زمان وقوع اغتشاش و سایر ویژگی های شخصیتی و روحی افراد، که می توانند در مقابله با اغتشاش یا برخورد انفعالی با اغتشاش نقش داشته.

فرهنگ جامعه شامل قوانین نانوشته و تلویحی جامعه، هنجارهای رفتاری اعضای جامعه، مجموعه باورها و اعتقادات حاکم بر جامعه، خوب و بد ها و نبایدهای جامع

ساختار ارتباطی اغتشاش از نظر پیچیدگی، تمرکز و اختیارات سلسله مراتب و اندازه و تکنولوژی مورد استفاده نیروهای کنترل کننده

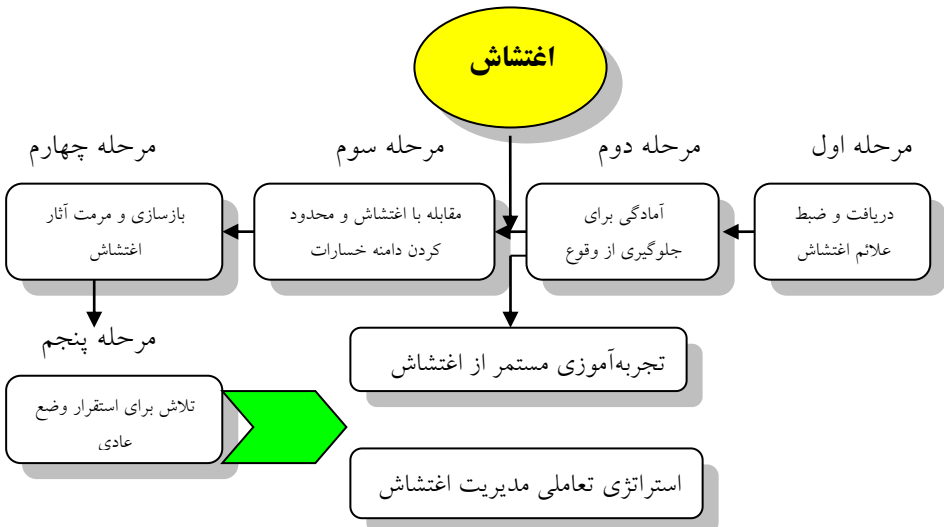
استراتژی و خط مشی ها و شیوه های مقابله





با توجه به مدل چهار لایه‌ای مدیریت اغتشاش، لازمه توفیق در تدبیر و مهار اغتشاش، موفقیت در لایه چهارم (یعنی اتخاذ سیاست‌های جامع و مبتنی بر افق‌های بلند زمانی و مکانی) می‌باشد. مدیریت مؤثر اغتشاش، بدون وجود یک گرایش مثبت و قوی در سطوح عالی مدیریت، جامه عمل نخواهد پوشید. (چیدری، ۱۳۸۱: ۱۱۲)

مراحل اغتشاش



شکل (۱): مراحل مختلف یک اغتشاش (همان: ۱۳۱)

علل بروز اغتشاش

به اعتقاد بسیاری از سیاست‌گذاران و روزنامه‌نگاران، علل وقوع درگیری‌های داخلی بسیار ساده و روشن است. آنان معتقدند عوامل به وجود آورنده این درگیری‌های خشونت‌بار، کینه‌های دیرینه است که بسیاری از گروه‌های قومی و مذهبی نسبت به یکدیگر در دل دارند. (براون، ۱۳۸۰: ۶۰۱-۵۷۱).

عموم آثار و بررسی‌های متخصصان امر در زمینه درگیری‌های داخلی به عوامل یا شرایط زمینه‌ساز می‌پردازند که امکان بروز خشونت در برخی مکان‌ها و موقعیت‌ها را از سایر مکان‌ها و موقعیت‌ها بیش‌تر می‌کند. به‌طور مشخص، محققان عواملی که پاره‌ای مکان‌های خاص را بیش از دیگر نقاط، مستعد خشونت می‌کنند، به چهار دسته



اصلی تقسیم کرده‌اند. این عوامل عبارتند از:

۱. عوامل ساختاری
۲. عوامل سیاسی
۳. عوامل اقتصادی اجتماعی
۴. عوامل فرهنگی ادراکی.

عوامل ساختاری	عوامل سیاسی	عوامل اقتصادی اجتماعی	عوامل فرهنگی ادراکی
* حکومت‌های ضعیف	* نهادهای سیاسی	* مشکلات اقتصادی	* الگوهای تبعیض
* مسائل امنیتی درون	* تبعیض آمیز	* نظام‌های اقتصادی	* فرهنگی
* کشوری	* ایدئولوژی‌های	* تبعیض آمیز	* سوءسابقه گروه‌ها
* جغرافیای قومی	* انحصارطلبانه	* توسعه اقتصادی و	
	* سیاست گروه‌ها	* نو سازی	
	* سیاست نخبگان		

جدول (۱): علل وقوع درگیری‌های داخلی

تشریح و تحلیل مدیریت اغتشاشات شهری در فرانسه

اغتشاش‌های نوامبر ۲۰۰۵ در فرانسه: دولت نوگلیست^۱ ژاک شیراک رئیس‌جمهور وقت فرانسه که در نتیجه بحران رأی منفی مردم فرانسه به قانون اساسی اروپا (می ۲۰۰۵) روی کار آمده بود، در ماه نوامبر همان سال با اغتشاشی عمیق و جدی روبه‌رو گردید. هزاران نفر از اقلیت‌های قومی و مذهبی که در شرایط نامساعدی به سر می‌بردند، دست به اغتشاش زدند. درحالی‌که فرانسه را کشور اعتصاب‌ها می‌نامند و بروز اعتراض در آن طبیعی می‌نماید، اما اغتشاش‌های نوامبر بسیار بیش از استانداردهای معمول اعتصاب‌ها نمایان گردید.





شکل (۲): نقشه فرانسه (همان: ۱۳۱)

در روز چهارشنبه ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵، نیکولا سارکوزی وزیر کشور وقت فرانسه ضمن بازدید از یک شهرک واقع در شهر آرژانتوی (حومه شمال غربی پاریس) در پاسخ به زنی که از پنجره ساختمان خود وزیر را در مورد امنیت محله مورد پرسش قرار داده بود، گفت «ما شمارا از دست اراذل و اوباش خلاص خواهیم کرد» و «شهرک‌ها را با دستگاه کارشر (فشارقوی آب) پاک خواهیم ساخت».

فردای آن روز، حوالی ساعت شش بعدازظهر، سه نوجوان از اهالی شهر کلیشی سو بوآ (حومه شمال غربی پاریس) از ترس کنترل یک گشتی پلیس، سراسیمه به محوطه یک ترانسفورماتور برق «پناه» برده و دو نفر از آنان در اثر برق‌گرفتگی جان خود را ازدست‌داده و نوجوان سوم که شدیداً سوخته بود، به بیمارستان منتقل شد.

این حادثه به‌ظاهر کوچک، جرقه‌ای بود در انبار باروت که باعث یکی از بزرگ‌ترین اغتشاش‌های فرانسه در طلیعه قرن بیست و یکم شد و موجب گردید این کشور برای چندین هفته فلج شده و نهایتاً دولت که همیشه ادعای دموکراسی داشته، با کمک حکومت‌نظامی غائله را خاتمه دهد.



طی این اغتشاش‌ها بیش از سی هزار خودرو و چند صد عمارت دولتی مانند مدارس، مهدکودک‌ها و استادیوم‌های ورزشی توسط اغتشاشگران به آتش کشیده شد. آمارها همچنین از دستگیری سه هزار نفر حکایت دارند. بر اساس این آمارها از میان دستگیرشدگان، ۴۱۱ جوان حکم محکومیت قطعی (زندان) دریافت کرده و برای ۶۵۵ نفر رأی صادر شد و ۲۴۴ نفر نیز با ضمانت آزاد شدند. میانگین سنی بازداشت‌شدگان نیز قابل توجه بود، ۵۴۰ نفر از بازداشت‌شدگان بیش از هجده سال سن داشته و بقیه جوان‌تر بودند. حتی یک نوجوان ده‌ساله در میان بازداشت‌شدگان مشاهده می‌شد. حدود ۵۰ درصد از بازداشت‌شدگان نیز عرب و سیاه‌پوست بودند. اغتشاش، تقریباً تمام شهرهای فرانسه را در بر گرفت. شب همان روز، ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵، برخی محلات حومه شرقی و شمالی پاریس را خشونت فراگرفت. خشمی که در کلیشی شعله‌ور شد سریعاً به مناطق دیگر سرایت کرد و به مدت بیست روز حومه شهرهای فرانسه را در آتش فروبرد. در این میان پاریس (پایتخت)، تولوز (در جنوب غربی)، لیون (در مرکز)، بودرو (جنوب غربی)، امی‌ینز (در شمال)، سن‌اتین (در جنوب شرق) اورووکس (در نرمندی، در شمال) بیشترین ناآرامی‌ها را شاهد بوده و نیس، کن، رن، نانت، لیل، روان، استراسبورگ، اورلئان و مون‌پلیه نیز از شهرهای ناآرام بودند.

گسترده‌گی اغتشاش‌ها در برخی شهرهای فرانسه، پلیس را مجبور به استفاده از گاز اشک‌آور (در لیون) و استقرار بالگرد برای بازداشت اغتشاشگران کرد. برای کنترل اغتشاش‌ها تعداد نفرات پلیس در برخی مناطق تا بیش از ده برابر افزایش یافت.

در ادامه اغتشاش‌ها، دولت وضعیت اضطراری اعلام کرد و برای کنترل ناآرامی‌ها مجبور شد از مقررات منع رفت‌وآمد استفاده کند. مجلس شورای ملی فرانسه هم آن را به مدت سه ماه تمدید نمود. دیری نپایید که انگشت اتهام به‌سوی مهاجرین دراز شد و برخی با پیروی از رهبر حزب «جبهه ملی» ژان ماری لوپن، شرایط اغتشاش‌آمیز را حاصل مهاجرت دانستند.

بیمه‌گران فرانسوی پس از فروکش کردن نسبی ناآرامی‌ها اظهار داشتند حق بیمه ادعا شده برای خسارت‌ها دویست میلیون یورو است. (عارفی، اغتشاش پابره‌نه‌ها در حومه پاریس)



جایگاه قانونی به کارگیری خشونت برای کنترل اغتشاشات

مسئله «حکومت نظامی» در اصل سی و ششم قانون اساسی فرانسه پیش‌بینی شده است. حکومت نظامی محدود به تهدید خارجی نیست. قانون ۳ آوریل ۱۹۵۵ که به منظور مقابله با وقایع الجزیره تصویب شد، لیکن در خاک فرانسه نیز قابل اجرا است، اعلام وضعیت اضطراری را پیش‌بینی کرده است. این وضعیت براثر خطر قریب‌الوقوع ناشی از صدمه مهم به نظم عمومی یا در مورد وقایعی که جنبه مصیبت عمومی دارند، قابل تحقق است. فرمان ۷ ژانویه ۱۹۵۹ (ماده سوم) در صورت بسیج ارتش، تحت مراقبت قرار گرفتن افراد را مجاز دانسته است. همچنین اصل شانزدهم قانون اساسی به رئیس‌جمهور اجازه داده است که «هرگاه نهادهای جمهوری، استقلال ملی، تمامیت ارضی یا اجرای تعهدات بین‌المللی کشور به‌طور جدی و فوری در معرض تهدید قرار گیرند و عملکرد منظم قوای عمومی مذکور در قانون اساسی مختل گردد، رئیس‌جمهور تدابیر لازم را برای اوضاع مذکور، پس از مشورت رسمی با نخست‌وزیر و رؤسای مجلس‌ها و رئیس قانون اساسی اتخاذ نماید.» این اصل تلویحاً به رئیس‌جمهور اختیار می‌دهد که جانشین مجالس قانون‌گذاری، دولت و به‌طور کلی تمام قوای عمومی شده به جای آن‌ها اخذ تصمیم کند.

علل ناآرامی‌ها

اغتشاش‌هایی که از اواخر اکتبر تا نیمه نوامبر ۲۰۰۵ فرانسه را به لرزه درآورد، کارنامه سنگینی از حیث مادی، انسانی و روان‌شناختی برجا گذاشت. هزاران اتومبیل به آتش کشیده شد، مؤسسات عمومی (نظیر مدرسه، مهدکودک، سالن ورزشی) ویران شدند، وضعیت فوق‌العاده اعلام شد، نزدیک به ۲۸۰۰ نفر بازداشت و در حدود ۴۰۰ نفر به زندان محکوم شدند؛ اما واقعاً چه اتفاقی افتاد؟

گروهی از تحلیلگران فرانسوی و غیر فرانسوی، این اغتشاش را به‌منزله سرآغاز سقوط جامعه فرانسه تلقی می‌کنند. آنان معتقدند ضربه کسانی که به‌صورت بدیلی «دسته‌های گرگ»، «دشمنان جهان ما» یا به‌مثابه پیشروان آگاه شبه پرولتاریای «پسا استعماری» معرفی می‌شوند، باعث این سقوط خواهند شد. آن‌ها به ترتیب بر پایان «نمونه فرانسوی»، «رشد جامعه موازی خارج از قانون» یا «بحران مدنیت شهری» تأکید



کردند. این ناظرین احتمالاً با موضوعی فروتنانه از احکام پایه‌ای منش جمعی الهام گرفته‌اند و سپس برحسب منافع سیاسی و اجتماعی‌شان به کلی گوئی پرداخته‌اند. برای درک این اغتشاش‌ها، بهتر است که به شرایط اجتماعی، دلایل به راه افتادن آن‌ها و وضعیت تصادفی‌شان برگردیم. عوامل یکسان، آثار یکسان به بار نمی‌آورند.

این پدیده، عمدتاً جوانان را در برمی‌گیرد. آمار انستیتوی ملی آمار و بررسی‌های اقتصادی (INSEE) نشان می‌دهد که در محله‌هایی که در جریان اغتشاشات خبرساز بودند، میزان بیکاری جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ ساله چشمگیر است. میزان بیکاری برای این جوانان در محله گراند بورن واقع در گرینی (جنوب پاریس)، ۴۱/۱ درصد (درحالی‌که میزان بیکاری در این شهر ۲۷/۱ درصد است)؛ در دو محله رنری و بل فونتین واقع در تولوز (شهر صنعتی جنوب فرانسه) برای این رده سنی ۵۴/۴ درصد (برای کل شهر ۲۸/۶ درصد)؛ در محله اوس دو بوآ واقع در شهر پو (جنوب غربی فرانسه) ۳۱/۷ درصد (در مقابل ۱۷ درصد برای خود شهر)؛ در مجتمع مسکونی موسوم به سیتیه گران آنسامبل واقع در کلیشی سو بوآ - مون فرمی (دو شهرک حومه شرق پاریس) معادل ۳۷/۱ درصد (در مقابل ۳۱/۱ درصد برای این دو شهر)؛ و در محله بل و واقع در نانت سن هرلن (شهر غربی فرانسه) معادل ۴۲/۱ درصد (در مقابل ۲۸/۶ درصد)... می‌باشد.

این ناپایداری شغلی فقط اثرات اقتصادی بر جای نگذاشته بلکه موجب شده که جوانان دچار سردرگمی نیز بشوند. درواقع، این تزلزل آینده‌ای ناروشن در پیش پای آنان می‌گذارد. زیرا مانع از برنامه‌ریزی درازمدت افراد گشته (نظیر مسکن، ازدواج، تفریحات)، آنان را در زمان حال محبوس ساخته و زندگی روزانه آنان را به از آب کشیدن گلیمشان محدود ساخته و درنتیجه آنان را در معرض انحرافات جزائی قرار می‌دهد.

ترقی اجتماعی، امیدی که برای جوانان حومه‌نشین نقش بر آب شده است

توده‌ای کردن آموزش، نوجوانانی را که شاید از آن محروم بودند، در نظام آموزشی وارد ساخته و آنان را در مقطعی از زمان به ترقی اجتماعی و خروج از جهان کارگری والدینشان امیدوار نموده است. (ر، ک، سومین نسل کارگری نوشته Stéphane Beaud و Michel Pialoux، لوموند دیپلماتیک، ژوئن ۲۰۰۲).



اما از آنجاکه مدرسه قادر به دگرگون ساختن طبقه‌بندی اجتماعی نیست، امیدها به سرعت بر باد می‌رود. این سرخوردگی خود عاملی می‌شود برای این‌که هیاهوها، تحریکات و به‌ویژه خروج از نظام آموزشی، پیش‌پاافتاده جلوه کند. در نتیجه، میزان افراد فاقد مدرک تحصیلی در محله‌های یادشده به ۳۰ تا ۴۰ درصد می‌رسد، درحالی‌که میانگین این رقم در سطح فرانسه معادل ۱۷/۷ درصد است.

بالاخره باید اثرات سیاست‌های شهرسازی بیست‌ساله اخیر را بر علل فوق افزود. این سیاست‌ها بدون این‌که از این محله‌ها گتو بسازند، خانواده‌های پرجمعیت را در تعداد مشخصی از محله‌های پیرامونی شهرها متمرکز ساخته‌اند که اغلبشان بی‌خانمانی و تنگدستی را با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند. (ر، ک، به گزارش سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، Observatoire des zones sensibles، انتشارات دیو، پاریس)

لذا اغتشاش اقشار مردمی فرانسه عمیقاً اجتماعی است. این اغتشاش، هم‌زمان از طریق انحطاط اشکال اجتماعی سازمان‌دهی (سندیکاها، احزاب سیاسی) و نیز در بستر شدت رقابت میان آنان (میان «فرانسوی» و «خارجی» و نیز میان کارگران «دائمی» و «کارگران پیمانی مادام‌العمر») ظاهر می‌شود. این اغتشاش موجب نارضایتی‌های عمیق گشته و مردم را به فرورفتن در محیط‌های خانوادگی و خودی می‌کشاند. رجال سیاسی از اواخر سال‌های ۱۹۹۰، این پدیده را به مثابه «تقاضای امنیت» از سوی این گروه از رأی‌دهندگان خود تلقی کرده‌اند.

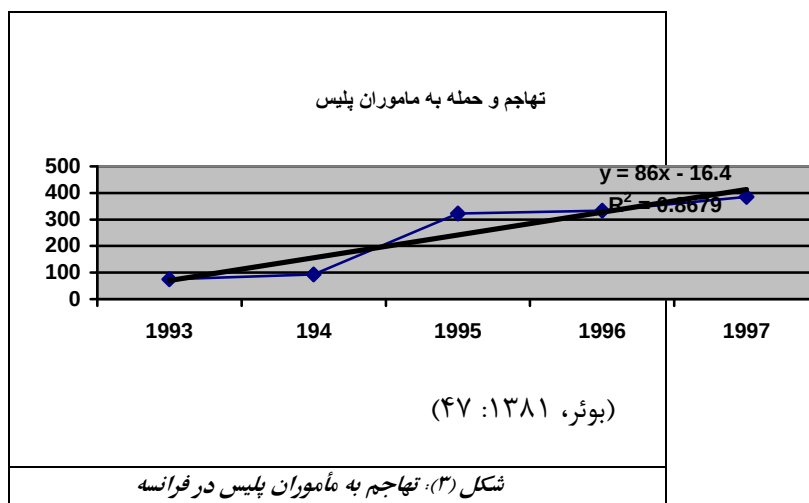
این بازخوانی روابط اجتماعی نظیر مسئله امنیت، اساس تحول استراتژی‌های پلیسی قرار گرفته است. از آن به بعد، «پلیس مداخله» را بر «پلیس تحقیقاتی» یا آن طوری که مسئولان حزب سوسیالیست به اعتقاد به آن تظاهر می‌کردند، «پلیس محله»، مقدم دانستند. گسترش بریگادهای ضد جنایت (BAC) روشن‌ترین نشانه این حرکت است. برخی افراد پلیس، این بریگادها را نشانه‌ای از «نظامی ساختن» حرفه پلیس، دانسته‌اند.

واحد‌های این بریگاد که تا دندان به ابزارهای تهاجمی و دفاعی - نظیر تفنگ‌های فلاش بال [پرتاب‌کننده توپ‌های کوچک سفت] و این اواخر Tasers (سلاح‌های غیرمرگ‌بار دارای شارژ الکتریکی) مجهزند، «دستگیری‌های ضربتی» را بر تحقیقات ترجیح می‌دهند. این امر در مقطع سیاسی‌ای که مرتباً بر «فتح دوباره محله‌ها» تأکید



می‌کند، عمده عملیات روزانه آن‌ها را به اختناق‌ی بدون بروز جرم و بازرسی‌ای بدون ارتکاب خطا و عملیات تنش‌زا کاهش می‌دهد. پلیس برای پاسخ به تجمع جوانان و «سنگ‌پرانی» آن‌ها، به کنترل‌های تکراری کارت شناسایی، تحقیر و گاهی کتک و اتهام همیشگی «اهانت» و «اغتشاش» متوسل می‌شود.

آمار پلیس، تقدم دخالت بر بازرسی را نشان می‌دهد. درحالی‌که حوادث ثبت‌شده توسط پلیس و ژاندارمری بین ۱۹۷۴ و ۲۰۰۴ دو برابر شده، شمار افراد دستگیرشده به جرم قاچاق مواد مخدر ۳۹ برابر و برای تخلف از قوانین مربوط به خارجی‌ها... ۸/۵ برابر شده است. در همان زمان، میزان پرونده‌های تکمیل‌شده (امور رسیدگی شده تقسیم‌بر حوادث ثبت‌شده) شدیداً کاهش یافته و از ۴۳/۳ درصد به ۳۱/۸ درصد رسیده است. به زبان دیگر فعالیت پلیس عمدتاً بر جرائم کوچک متمرکز شده است. ملاحظه این تخلفات نتیجه حضور پلیسی در کوچه‌ها و نیز شدت یافتن کنترل گروه‌های اجتماعی مشخص است. (بوئر، ۱۳۸۱: ۴۷)



این شدت‌یابی به‌طور عمده مسئول وخامت روابط نهادهای رسمی با این گروه‌ها بوده و خشونت‌های موسوم به «شهری» را تغذیه می‌کند. درواقع، غالباً فراموش می‌شود که نظم همچون اغتشاش تولید مشترکی است که در ایجادش، نهادهای امنیتی همان‌قدر نقش دارند که مردمی که با این دو مواجه می‌شوند.

از ویرانی اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی اقشار توده‌ای که در زیر بار سی سال سیاست





لیبرالی خردشده‌اند تا استراتژی‌های پلیسی- و نیز اجتماعی- که برای کنترل فرزندان آن‌ها اعمال می‌شود، سبب‌های انفجار کم نیستند. حتی می‌توان پرسید که چرا این انفجارها بیش از این اتفاق نیفتاده‌اند.

ژان میشل بست نویسنده فرانسوی در کتابی که موضوع آن مطالعه آماری و تجزیه و تحلیل جرائم دهه منتهی به ۱۹۷۰ در کشورش می‌باشد، استنتاج تأمل برانگیز و مهمی از زمینه و بستر بروز خشونت در جوامع صنعتی به دست می‌دهد. او معتقد است برای جهان غرب خشونت می‌تواند وسیله‌ای باشد برای فراتر رفتن از مرزهای خرد خویش و اضافه می‌کند که انفجارهای خشن، غالباً عمل افراد یا گروه‌هایی است که خواستار خودمختاری خویش‌اند و خود را خودمختار و قوم سرکوب‌شده و محروم سرزمین و کشور خود، می‌دانند. به‌رغم او افزایش ناگهانی و سریع خشونت‌ها علیه چارچوب‌های خشک، فاصله‌ای را نشان می‌دهد که میان انسان و خویشتن پایمال‌شده‌ی او پدید آمده است. این شکاف و فاصله‌ی دردناک، علت مشکلات و موانع در زندگی اجتماعی است. اگرچه تحلیل فوق مربوط به دو دهه قبل جامعه فرانسه می‌باشد، ولی در ارتباط با وقایع امروز آن کشور نیز به‌صورت چشم‌گیری مصداق و عینیت دارد. با این تفاوت که نویسنده از رفتارهای هنجارشکن به اعتبار موضوع بررسی خود با عنوان اقدامات جنایتکارانه یاد می‌کند. مع‌الوصف اذعان می‌دارد که این اقدامات در جوامع صنعتی در راستای یافتن راهی برای اظهار و بیان خود و شالوده شکنی در برابر نحوه‌ی تولید که بر اعصاب توده‌های مردم فشار وارد می‌کند، صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد آن‌گونه که گزارش‌های حزبی نیز به‌وضوح مورد تأیید و تأکید قرار داده‌اند، ریشه‌های اغتشاش و خشونت‌های حومه پاریس و دیگر شهرهای فرانسه را باید در فقر، بیکاری، تبعیض نژادی و محرمیت‌های متعدد این مناطق جستجو کرد. درواقع، شهرک‌های حومه پایتخت فرانسه و دیگر شهرهای بزرگ این کشور که در اوج رونق اقتصادی دهه ۱۹۶۰ به وجود آمده‌اند، آن را به‌مرورزمان به محیط‌های بسته‌ای تبدیل کرده‌اند که از همه‌چیز محروم‌اند و اکثر جمعیتشان را نیز مهاجران تشکیل می‌دهند. فرانسه امروز ۷۵۰ منطقه شهری حساس در اطراف پاریس به‌ویژه در بخش «سن ین دونی» و دیگر مناطق دارد که مجموعاً پنج میلیون تن را در خود جای می‌دهند. این مناطق بار



مشکلات متعدد را به دوش می‌کشند. شهرک‌های فرانسوی در اصل تأسیس شده بودند تا پاسخگوی افزایش جمعیت باشند و کشاورزان مهاجر را اسکان دهند؛ اما سیر نزولی شرایط زندگی در آن‌ها به‌مرورزمان، این مناطق را به شهرک‌های بسته و خودمختار تبدیل کرده است به‌طوری‌که امروزه این شهرک‌ها صرفاً آن‌هایی را در خود جای می‌دهند که امکان کافی برای زندگی در دیگر مناطق را نداشته و نمی‌توانند از پس مخارج زندگی برآیند! این موضوع عمده‌تاً شامل مهاجران می‌شود. محرومیت‌های متعدد باعث شده است که جوانان نسل سومی مهاجران باوجود داشتن ملیت فرانسوی، خود را طردشده بدانند، نهادهای دولتی را دشمن تلقی کنند و پلیس را نژادپرست بخوانند و از آن متنفر باشند! کارشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند که دولت‌های فرانسه اعم از راست و چپ هرگز طی ۲۵ سال گذشته تلاشی برای بهبود زندگی ساکنان این شهرک‌ها به عمل نیاورده‌اند. مردم حومه شهرها در فرانسه از وضع نابسامان خود به ستوه آمده‌اند و معتقدند دولت و مقامات، آن‌ها را فراموش کرده‌اند. زیرا نه‌تنها گامی برای بهبود شرایط زندگی‌شان برنمی‌دارند، بلکه آشکارا بین آن‌ها و دیگر شهروندان فرانسوی تبعیض قائل می‌شوند. شکل‌گیری و استمرار ناآرامی‌ها در فرانسه با این وسعت تأمل‌برانگیز و سرایت آن به دیگر کشورهای اروپایی نشان‌دهنده فاصله عمیق بین شعارها و چهره فریبنده و به‌ظاهر دمکراتیک دولت‌ها و مردم‌دارانی است که به مدد ماهواره‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌ها، خود را پشت شعارهای آزادی و حقوق بشر آن‌هم در کشوری که خود را مهد آزادی و حمایت‌کننده حقوق بشر ازجمله حقوق اقلیت‌ها می‌دانند، مخفی کرده‌اند. (قاصدک، ۱۳۸۴: ۴۳)

آیا این جوانان امکانات دیگری برای اعتراض در اختیاردارند؟ آنچه مسلم است، برای آنان بسیار مشکل یا تقریباً غیرممکن است که به‌صورتی عادلانه به ابزار تشکیلاتی که بتواند سخنگوی تمایلات آن‌ها باشد یا آن‌ها را نمایندگی کند، دسترسی یابند. آن‌ها از اقبال برابری در وضعیتی برابر برخوردار نیستند. (بوئر، ۱۳۸۱: ۸۰)

پس از انتخاب شیراک برای دومین بار در ماه مه ۲۰۰۲، برای متعادل ساختن بودجه هزینه‌های دولتی جهت پاسخ به معیارهای اتحادیه اروپا، بیش از همه، بودجه نوسازی محلات حومه را کاهش دادند. صدها هزار شغل «ویژه جوانان» و «کمکمربی



تربیتی» را حذف کردند. تعداد فرهنگیان را کاهش دادند. کمک به انجمن‌های تعاونی، پرورشی وامداد را قطع کردند. «پلیس محله» را که تلاش می‌کرد فاصله بین جوانان و پلیس را کاهش دهد، حذف کردند؛ و بجای آن پلیس عملیاتی گذاشتند.

درواقع پیامدهای بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۷۰ که بیکارشدن اقشار مختلف مردم را به دنبال داشت و نیز انتقال سرمایه و مراکز تولید به نقاط دیگر جهان، دلیل اصلی اغتشاش‌ها بود. نباید فراموش کرد که روند اتوماسیون تولید و کامپیوتری شدن نیز بدان سرعت بخشید و بر فوج بیکاران افزود. فقر گسترش یافت و نتایج آن ناگزیر جوانان و نوجوانان را زیر چنگال خود گرفت. میزان بیکاری جوانان در حومه‌ها گاه، چندین برابر میزان بیکاری عمومی است. میزان بیکاری در فرانسه (آمار اکتبر ۲۰۰۵) معادل ۹/۷ درصد است؛ اما میزان بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در شهرک‌های حومه بالای ۳۰ درصد و حتی برای شهرک‌های رنری و بل فونتن واقع در تولوز معادل ۵۴/۴ درصد است. این میزان در مجتمع بزرگ کلیشی سو بوآ به ۳۷/۱ درصد می‌رسد. (قدیری، ریشه‌های خشم: همشهری آنلاین - 38686)

در فرانسه آموزش تا ۱۶ سالگی اجباری و رایگان است. نوجوانان در فرانسه پس از ۵ سال تحصیلات ابتدائی وارد مدارس راهنمایی می‌شوند (که در فرانسه کولژ^۱ می‌نامند). دوره آموزش در آن، ۴ سال است. نوجوانان در فاصله سنی ۱۱ تا ۱۶ سالگی در این مدارس تحصیل می‌کنند. اهمیت آموزشی و تربیتی این مؤسسات در ساختن حال و آینده آنان بسیار روشن است. در فرانسه، دانش آموزان باید در مدارس منطقه خویش به تحصیل بپردازند. برای ثبت‌نام در مدارس دولتی دیگر باید از اداره آموزش و پرورش منطقه اجازه ویژه گرفت. بخشی از فرانسوی‌های «اصیل» برای جلوگیری از رفت‌وآمد کودکان خویش با کودکان مهاجران، فرزندان خود را در مدارس خارج از منطقه ثبت‌نام می‌کنند. در نتیجه بیش از چهل درصد از دانش آموزان مهاجر تبار در ده درصد مدارس متمرکزند. این رقم بسیار بالاست. که باید بر آن، فرزندان خانواده‌های مستمند و عقب‌مانده‌های تحصیلی را نیز افزود. در نتیجه، جمعیتی که دارای مشکلات عدیده‌ای هستند، در مدارس مشخصی گرد هم می‌آیند. طبیعی است که با انبوه دانش‌آموزان



عقب‌مانده، در کلاس‌های پرجمعیت، امکان موفقیت بسیار کمتر خواهد بود. ژرژ فلوزیس و ژوئل پروتون استادان دانشگاه بوردو معتقدند فقدان آمیزش اجتماعی و قومی در زمینه یادگیری، نتایج نامطلوب به بار آورده و به شکست تحصیلی منجر شده است. از آنجاکه نقش مرکزی مدارک تحصیلی برای کاریابی روشن است، تصور این امر بدیهی است که این جدائی به طرد اقتصادی و اجتماعی افراد کم‌درآمد منجر شده و آن را تقویت می‌کند. تصمیم بر سوق دادن نوجوانان از سن ۱۴ سالگی به کارآموزی و شاگردی حرفه‌ای، نتیجه‌ای جز تقویت این حس جوانان نداشته که آنان را از مدرسه محروم کرده‌اند. به همان ترتیبی که از کار، تفریح، زندگی در شهر و در یک کلمه از جامعه محروم شده‌اند. (لوموند دیپلماتیک، دسامبر ۲۰۰۵)

اغتشاشگران فرانسه چه کسانی هستند؟

اغتشاشگران به‌طور عمده نسل سوم مهاجرین عرب آفریقایی‌تبار هستند که در سینه‌ها و گتوهای حاشیه‌ی شهرها زندگی می‌کنند. پدران و پدربزرگ‌های بسیاری از آنان یا در ارتش استعماری فرانسه (لژیون‌های خارجی) خدمت می‌کردند و یا کارگزاران حکومت‌های استعماری فرانسه در کشور خود بودند که پس از استقلال این کشورها به فرانسه مهاجرت کردند. ریشه‌ی اکثر آنان به تونس، الجزایر و مراکش بازمی‌گردد.



شکل (۴): نمونه‌ای از نحوه اعتراضات مردم در فرانسه
(طاهری، اغتشاش فرانسه: همشهری آنلاین)





این جوانان با خانواده‌های خود در حاشیه‌ی شهرها زندگی می‌کنند. درحالی‌که بیکاری در فرانسه به حدود ۱۱ درصد می‌رسد، در میان حاشیه‌نشینان این رقم تا حدود ۳۰ درصد افزایش می‌یابد. حتی یک تحقیق آماری نشان می‌دهد که در این مناطق تعداد بیکار آن چهل برابر میانگین بیکاری در فرانسه است. ۲۳/۳ درصد جوانان زیر ۲۵ سال فرانسوی بیکارند و بسیاری از جوانان فرانسه برای یافتن کار مجبور به مهاجرت می‌شوند. (طاهری، اغتشاش فرانسه: همشهری آنلاین)

تأثیر این بیکاری و عدم ثبات شغلی تنها اقتصادی نیست. این جوانان به دلیل عدم ثبات اجتماعی و مالی هرگز نمی‌توانند برای آینده و حتی امروز خود برنامه‌ریزی کنند. بدون کار و درآمد ثابت نمی‌توان از تأمین مسکن، مسافرت، تشکیل خانواده و... صحبت کرد. این وضعیت آنان را در شرایط آسیب‌پذیری قرار می‌دهد.

در دیگر کشورهای اروپایی به‌خصوص آلمان و انگلستان، وضعیت مشابه فرانسه است. در آلمان بیش‌تر مهاجران ترک‌تبار هستند و در انگلستان هندی و پاکستانی.

پس از جنگ جهانی دوم، که تمام اروپا و شوروی ویران شد و نفوذ احزاب کمونیست در همه‌ی این کشورها گسترش یافت، آمریکا طرحی را به نام طرح مارشال به اجرا درآورد که بر مبنای آن سیل دلار به‌سوی این کشورها سرازیر شد. آمریکا تنها کشوری بود که جنگ در خاک آن کشور جریان نداشت و در نتیجه صنایع و خطوط ارتباطی آن ویران نشد. لذا از دو جنگ جهانی اول و دوم سود سرشاری به دست آورد. در این رابطه نیروی کار ارزان موردنیاز بود که این نیاز با تشویق به مهاجرت از جهان سوم تأمین گردید. در آلمان اولین کارگران مهاجر با دسته‌های گل و هدیه مورد استقبال قرار گرفتند؛ اما مهاجران خیلی زود دریافتند که در کشور میهمان، دستخوش انواع خشونت، تعرض و استثمار بوده و با رشد بیکاری، اولین قربانیان آن هستند. نسل اول و دوم راه سکوت و مدارا پیشه کردند ولی نسل سوم حاضر به پذیرش این امر نیست. (بوئر، ۱۳۸۱: ۶۵)

فقر آموزشی و چماق پلیسی

نسل اول مهاجران عمدتاً کارگر بودند و فرزندان آنان امید خود را به آموزش بستند تا سرنوشتی بهتر از پدران و مادران خود پیدا کنند. نظام آموزشی فرانسه با تحصیل



اجباری تا ۱۶ سالگی همه آنان را به تحصیل واداشت. بخش بزرگی از آنان از دنیای کارگری والدینشان جدا شدند اما در تحصیل علم و دیپلم، توفیقی کسب نکردند. آنان نتوانستند در نظام آموزشی، راه خروجی برای دگرگون ساختن وضعیت اجتماعی‌شان بیابند. در فرانسه میزان افراد بدون مدرک تحصیلی ۱۷/۷ درصد است درحالی‌که این نسبت برای جوانان شهرک‌های حومه بین ۳۰ تا ۴۰ درصد می‌باشد.

در اثر سوء سیاست شهرسازی در بیست سال اخیر، مردم نیازمند و مستمند در محله‌های حومه متمرکز شده و در نتیجه مشکلات این گروه از مردم در یک نقطه انباشته شده است.

عامل دیگری که قطب‌بندی موجود در این شهرک‌ها را افزایش داده، سیاست‌های پلیسی دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های دست راستی در سال‌های اخیر بوده است. احزاب راست برای جذب رأی‌دهندگان راست افراطی، تأمین امنیت را در رأس برنامه‌های خویش قرار داده‌اند. وزیر کشور کنونی نیز بجای تلاش برای ریشه‌کن کردن عواملی که به جنایت کاری و تبهکاری منجر می‌شود، با برقراری «بریگادهای ضد جنایت» بر سرکوب افزوده است. پلیس تحقیقاتی برچیده شده و جای آن را پلیس عملیاتی گرفته است. پلیس بر عملیات تحریک‌آمیز خویش افزوده و آش‌چنان شور شده است که حتی برخی افراد پلیس از نظامی شدن پلیس خسته شده‌اند و آن را به زبان می‌آورند. نژادپرستی خفته در بخش‌هایی از جامعه، در رفتار برخی افراد پلیس انعکاس می‌یابد. نوجوانان و جوانان حومه‌ها به خاطر رنگ پوستشان و آهنگ اسمشان، با کوچک‌ترین بهانه‌ای مورد کنترل پلیس قرار می‌گیرند. این کنترل‌ها اغلب با تحقیر همراه است و گاه سروکارشان به پاسگاه پلیس می‌افتد. وزارت کشور خیال می‌کند که نظم تنها از طریق حضور پلیسی و تشدید کنترل به دست می‌آید. اغتشاش و نظم دو سر چماقی است که در دستان مردم و نهادهای امنیتی جابه‌جا می‌شود.

در این راستا یک افسر اطلاعات پلیس اعتراف کرد که «پلیس در ایجاد یک‌سوم از ۳۴۱ اغتشاش ثبت‌شده در اداره وی (از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰) دخالت داشته است» (راديو فرانس کولتور: ۹ نوامبر ۲۰۰۵)



نتایج اولیه اغتشاش

تقریباً همه به وجود تبعیض و فاصله‌ی وحشتناک طبقاتی در فرانسه اذعان دارند. شیراک از به زباله‌دان افتادن درخواست‌های کاری تنها به علت آدرس فرستنده سخن گفت. مهاجران از خشونت پلیس سخن گفته و چپ‌ها از بیماری علاج‌ناپذیر سرمایه‌داری.

دولت راست‌گرای فرانسه با کسب موفقیت نسبی در دور نخست انتخابات مجلس ملی این کشور، برای انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، خیز برداشت. «فرانسوا فیون» نخست‌وزیر فرانسه با توجه به موفقیت نسبی جناح راست این کشور (حزب حاکم) در انتخابات، اعلام کرد که اصلاحات وعده داده‌شده توسط «نیکلا سارکوزی» رئیس‌جمهور فرانسه با پایان دور دوم انتخابات مجلس ملی، اجرا می‌شود.

برنامه اصلاحی دولت در حوزه دانشگاه

فرانسوا فیون در سخنانی تأکید کرد که دانشگاه‌های فرانسه باید اصلاح‌شده و به‌سوی استقلال گام بردارند. خانم «والری پکرس» وزیر آموزش عالی نیز از اصلاحات وسیع در دانشگاه‌های این کشور جانبداری کرده و گفت: این اصلاحات همه بخش‌های آموزش عالی از جمله شرایط زیست دانشجویی، کمک‌های مالی به دانشجویان، بیمه درمانی آن‌ها، بازسازی و باز توانی آموزش، تحقیق و استقلال دانشگاه‌ها آن‌چنان که در مبارزات انتخاباتی سارکوزی از آن‌ها سخن رفته است را در بر خواهند گرفت.

برنامه اصلاحی دولت در زمینه کاهش و / یا حذف مالیات‌های مستقیم

دولت فرانسوا فیون طرح اصلاحی دیگری به مجلس ارائه کرد. که شامل حذف مالیات ساعات اضافه‌کاری کارکنان و کارگران و کاهش مالیات خرید وام مسکن بود. دولت فرانسه این امر را باهدف رونق اقتصادی کشور در دستور کار قرارداد.

ارائه خدمات حمل‌ونقل عمومی

دولت فرانسوا فیون طرح دیگری در زمینه تأمین حداقل خدمات حمل‌ونقل عمومی به‌ویژه در زمان اعتصابات سراسری که مردم برای جابجایی با مشکلاتی مواجه می‌شوند، به مجلس



ارائه کرد. هدف دولت از ارائه این لایحه آن بود که پیش از برگزاری اعتصابات سراسری که امری قانونی است، نسبت به مختل شدن کل سیستم حمل و نقل عمومی تمهیداتی اندیشیده شود. تا مردم برای جابجایی با مشکل مواجه نشوند. اگزاویه برتران، وزیر کار و امور اجتماعی فرانسه گفتگوهایی با نمایندگان اتحادیه‌ها و کارفرمایان در این زمینه انجام داده است. وی در این نشست‌ها تأکید کرده است که می‌بایست هنگام اعتصابات کارگری در حداقل خدمات حمل و نقل شهروندان این کشور تأمین و تضمین گردد.

طرح اصلاحی دولت در زمینه تشدید مجازات بزهکاران

«رشیده داتی» وزیر دادگستری فرانسه درصدد برآمد مجازات بزهکاران را در صورت تکرار جرم، تشدید کند. به گفته وی در طرح قانون مذکور عذر نابالغ بودن متخلف حرفه‌ای پذیرفته نشده و برای آنان مجازات‌های متناسب در نظر گرفته می‌شود. بر اساس این طرح، بزهکاران در صورت ارتکاب مجدد جرم بلافاصله مورد محاکمه قرار گرفته و در صورت محکومیت، قاضی خواهد توانست تا ۳ سال حبس برای آنان در نظر بگیرد.
(http://www.aftab.ir/news/do_search.php?news_search_text)

مدیریت اغتشاشات در فرانسه

الگوی مدیریت اغتشاشات فرانسه برای حفاظت از منافع بنیادین آن بر اساس یک راهبرد دوگانه بازدارندگی و اقدام بنانهاده شده است. مبنای بازدارندگی، اقدامات خشن پلیسی است که بازدارندگی را فراهم می‌آورد؛ اما راهبرد دوم مبتنی بر سه وظیفه مهم پیشگیری، اعزام نیرو و حفاظت است.

پیشگیری بخش اولویت‌دار راهبرد اقدام است که مکرراً مورد تأکید قرار گرفته است. هدف از پیشگیری، ممانعت از ظهور وضعیت اغتشاش‌آمیز است.

پیشگیری مربوطه است به:

- مشارکت در ثبات بین‌المللی، تضمین صلح، توسعه و سعادت ملت‌ها؛
- ممانعت از پیدایش وضعیت‌های بالقوه خطرناک و تهدیدات مستقیم یا غیرمستقیم؛
- محدود کردن منابع فشار؛





- وقوع اغتشاش‌ها و منازعات در پایین‌ترین سطح ممکنه.

پیشگیری، راه‌کارهای مختلفی را با همه گام‌های اجرایی، اقتصادی، انسانی و انتظامی اعمال می‌نماید و شیوه‌ای تا حد ممکن هماهنگ شده برای این کار به کار می‌برد. این کار به‌عنوان بخش بزرگی از استراتژی نفوذ دولت مطرح می‌شود.

بررسی سه حالت پیشگیری

حالت پایدار: دانستن، فهمیدن، کمک و پشتیبانی

حالت پایدار پیشگیری اساساً به عهده سیستم‌های اطلاعاتی فرانسه و دستگاه‌های هشداردهنده راهبردی است. همه این دستگاه‌ها برای تحلیل و درک وضعیت‌های بومی، پیش‌بینی تحولات آن‌ها، برآورد ریسک‌ها و دل‌نگرانی‌ها و دادن هشدار در صورت نیاز سازمان‌دهی شده‌اند.

حالت تقویت‌شده: دانستن، فهمیدن، کمک، پشتیبانی، متقاعد کردن و نفوذ

در برخی مناطق حساس یا زمانی که ریسک اغتشاش در یک منطقه افزایش می‌یابد، حالت تقویت‌شده‌ی پیشگیری می‌تواند اتخاذ گردد. این ابزار در تداوم اقدامات قبلی بوده، اما الزامات پلیس در زمینه اطلاعات افزایش می‌یابد. تقویت نیروهای از پیش مستقرشده، واحدهای پروازی در محیط در این منطق جای می‌گیرند.

حالت واکنشی: دانستن، فهمیدن، کمک، پشتیبانی، متقاعد کردن، نفوذ، تهدید و خنثی کردن

اگر تهدید تشدید شود یا در مورد اغتشاش‌های غیرقابل پیش‌بینی، وقتی که اقدام خیلی دیر شده باشد، نیاز پیشگیری به اقدام قوی واکنشی و اضطرابی رخ می‌نماید. در این حالت تقویت شیوه‌های نظامی می‌تواند با اقدامات زیر انجام شود:

- ✓ فعال کردن شیوه‌های اطلاعاتی و مراقبتی یا هشدار ویژه؛
- ✓ فعال کردن تیم کنترل اغتشاش در داخل مرکز طرح‌ریزی و هدایت عملیات؛
- ✓ طرح‌ریزی انواع مختلف عملیات‌ها (حفاظت از مراکز دولتی، اعزام نیرو و...)
- ✓ اجرای عملیات‌های ویژه؛
- ✓ استقرار پیشگیرانه نیروها.



به کارگیری

سیاست پیشگیری از اغتشاش‌ها بخش مهمی از سیاست کنترل اغتشاش فرانسه است. به کارگیری آن اصولاً در حوزه صلاحیت وزارت کشور است. به تناسب وضعیت جاری وزیر کشور برای مهار اغتشاش اقدام لازم به عمل می‌آورد.

پس از ظهور اغتشاش، یک کمیته بین وزارتخانه‌ای تحت حمایت کابینه (دفتر) نخست‌وزیر برای هماهنگی اقدام وزارتخانه‌های مختلف تشکیل می‌گردد.

مدیرکل دفاع ملی مسئول تعریف ساختارهای دائمی است که امکان حل اغتشاش در دوره آن را از زمان هشدار (مرحله قبل از اغتشاش با تعریف اقدامات بین وزارتخانه‌ای مواجه با مهار تشدید اغتشاش) تا مرحله بعد از اغتشاش فراهم می‌سازد. این دستگاه پیرامون هسته بحران وزارت کشور ایجاد می‌شود و می‌تواند به وسیله سایر وزارتخانه‌ها تقویت شود. برای ایفای نقش کامل آن‌ها در به کارگیری این سیاست کلی، نیروهای عمل‌کننده بایستی فاکتورهای زیر را لحاظ کنند:

- ✓ هماهنگی میان نهادهای مسئول؛
- ✓ تعریف منافع اساسی (حیاتی، راهبردی و قدرت) و در مورد اغتشاش بالفعل یا بالقوه، تعریف وضعیت مطلوب نهایی.
- ✓ تقسیم کار و مسئولیت‌ها؛
- ✓ اقتصاد اقدامات پیشگیرانه (هزینه - فایده).

اصول اجرایی استراتژی پیشگیری از اغتشاش در فرانسه

پیشگیری از اغتشاش در فرانسه روی ۷ اصل استوار است: اصل جهانی بودن؛ اصل پایداری؛ اصل آینده‌نگری؛ اصل دوراندیشی؛ اصل اقتصادی بودن فعالیت‌ها؛ اصل استمرار اقدام؛ اصل قابلیت مشاهده.





کشور	فرانسه
جمعیت	۶۳۰۰۰۰۰ نفر
مهم‌ترین گروه‌های مخالف	اقلیت‌های قومی و مذهبی که در شرایط نامساعد به سر می‌بردند، حرکت‌های دانشجویی و جریانات روشنفکری راست و چپ، جوانان حومه پاریس و نسل سوم مهاجرین عرب آفریقایی تبار که والدین‌شان به فرانسه مهاجرت نموده‌اند.
میزان اغتشاش‌ها طی ۵ سال اخیر	زیاد
علل اغتشاش و خواسته اغتشاشگران	خواسته دانشجویان معترض عمدتاً سیاسی است و دلیل اصلی و اولیه راه افتادن جنبش‌هایی نظیر جنبش می تقابل دو دیدگاه راست و چپ و روشنفکرانه و سنتی است. فقدان احزاب پویا که در میان مردم پایگاه مستحکمی داشته باشند و بتوانند مطالبات روشنفکرانه و غیر سنتی را به سیاست تبدیل کنند، ازجمله‌ی عوامل اغتشاش در فرانسه است.
نحوه مقابله با اغتشاش	شرایط اقتصادی مردم فرانسه، تقابل فرهنگی مردم فرانسه و مهاجرین، قطب‌بندی موجود در این شهرک‌ها و شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی و نادیده گرفته‌شده مهاجران عامل اصلی حرکت آنان محسوب می‌شود. لذا اغتشاش اقشار مردمی فرانسه عمیقاً اجتماعی است. در این میان نباید اثرات سیاست‌های شهرسازی بیست‌ساله اخیر و سرخوردگی مردم فرانسه به‌ویژه نسل سوم مهاجران و رقابت میان «فرانسوی» و «خارجی» و نیز میان کارگران «دائمی» و «کارگران پیمانی مادام‌العمر» نادیده گرفت. این اغتشاش موجب نارضایتی‌های عمیق گشته و مردم را به فرورفتن در محیط‌های خانوادگی خود کشانده است.
الگوی رفتاری	برخی علل ناآرامی‌های فرانسه را محصول نقش‌ها و تعارضات قومی- فرهنگی در جامعه فرانسه دانسته‌اند و برخی نظریه‌پردازان، فرصت را غنیمت شمرده و «مهاجرت» را به‌عنوان تنها علت اغتشاش‌ها معرفی کردند.

جدول (۲): الگوهای رفتاری برای مقابله با اغتشاش در کشور فرانسه

۱	رامهرمز خوزستان	۷۰/۱۲/۲۴	۸	مبارکه اصفهان	۷۳/۴/۳۰
۲	شیراز	۷۱/۱/۱۶	۹	نجف‌آباد اصفهان	۷۳/۴/۱۲
۳	چهارمحال و بختیاری	۷۱/۱/۲۲	۱۰	اسلام‌شهر	۷۴/۱/۱۴
۴	اراک	۷۱/۲/۳	۱۱	تهران	۷۸
۵	بوکان	۷۱/۳/۱۹	۱۲	تهران	۸۸
۶	خوزستان	۷۲/۳/۱	۱۳	تهران	۹۶
۷	گیلان- فومن	۷۲/۳/۲۳	۱۴	تهران	۹۷

جدول (۳): سطح و شدت اغتشاشات در کشور ایران در سال ۱۳۷۸



سطح و شدت اغتشاشات یادشده در ایران طبق جدول بالا عمدتاً استانی بوده و ساختار مدیریت اغتشاش کشور را در سطح استان و بعضاً مانند اغتشاشات مورخ ۷۳/۵/۱۲ قزوین تا سطح شورای امنیت ملی گسترش داده‌اند ویژگی‌های این اغتشاشات عبارت است از تهدید منافع ملی. در این رابطه رهبر انقلاب می‌فرمایند: «هوشیاری‌تان را بیشتر کنید. دشمن، امنیت ملی ما را هدف گرفته است. امنیت ملی برای یک ملت، از همه چیز واجب‌تر است» (زکریایی، ۱۳۷۸: ۱۷)

الگوی مدیریت اغتشاشات در جمهوری اسلامی

۱. **پیش‌بینی:** به کلیه اقدامات و تدابیری که برای جلوگیری از وقوع و بروز اغتشاشات و ناآرامی‌ها انجام می‌گیرد، پیش‌بینی گفته می‌شود. به عبارت دیگر پیش‌بینی عبارت است از حدس هوشمندانه رویدادهای آینده بر اساس تجزیه و تحلیل رویدادها و وقایع گذشته. (رصد محیط، احصاء قراین و شواهد، تجزیه و تحلیل متغیرها و ...)

پیش‌بینی و آمادگی‌های لازم

۱. تجزیه و تحلیل تاکتیکی رخدادهای گذشته و حال و بهره‌گیری از آن برای آینده؛
۲. رصد فعالیت‌های فتنه؛
۳. شناخت جهت‌گیری‌های عملیات روانی دشمن؛
۴. رصد گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی؛
۵. پیش‌بینی روند تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در محیط داخلی و پیرامونی؛
۶. شناسایی و رصد کانون‌های حادثه‌خیز؛
۷. رصد اطلاعاتی در فضای مجازی؛
۸. احصاء تقویم سیاسی رویدادها و حوادث ملی و محلی؛
۹. برقراری اقدامات کنترلی (ایست و بازرسی، گشت‌های عملیاتی)؛
۱۰. از دسترس خارج کردن تأسیسات و امکانات آسیب‌پذیر و آسیب‌رسان؛
۱۱. تهیه برآوردها و طرح‌های لازم برای مقابله با اغتشاشات؛
۱۲. بررسی اثرات تهدیدات خارجی بر محیط داخلی؛
۱۳. پیش‌بینی آسیب‌ها و رویدادهای نوظهور؛





۲. پیشگیری: به کلیه اقدامات و تدابیری که برای جلوگیری، کاهش درصد وقوع و مهار کردن اغتشاشات و ناآرامی‌ها به بهترین وجه ممکن، انجام می‌گیرد، پیشگیری گفته می‌شود. (اصلاح ساختارها، اعمال کنترل، رفع موانع و مشکلات)

۱. اشراف اطلاعاتی.

۲. افزایش بصیرت دینی، سیاسی عناصر سپاه و بسیج در خصوص فهم دقیق فتنه و تهاجم دشمن در جنگ نرم.

۳. توجیه و اطلاع‌رسانی به علماء و نخبگان جامعه.

۴. نفوذ در عقاید، افکار و نگرش‌های جمعیت آسیب‌پذیر جریان فتنه به‌منظور ریزش در پیکره اجتماعی آن.

۵. عملیات اطلاعاتی برای دستگیری هدفمند عناصر مؤثر تاکتیکی و عملیاتی فتنه؛

۶. نمایش مقتدرانه و اراده نهادهای امنیتی و مردم برای بازدارندگی؛

۷. کنترل بر توزیع و فروش تجهیزاتی که کاربردهای دوگانه دارند.

۸. شناسایی و کشف شبکه فرماندهی و مدیریت تاکتیکی جریان فتنه در سطح محلی.

۹. انجام عملیات مقابله با عملیات روانی دشمن.

۱۰. هماهنگی و تبادل اطلاعاتی و قضایی با دستگاه‌های ذی‌ربط.

۱۱. اجتناب از اقدامات غیرضرور و تنش‌زا.

۱۲. سلب مشروعیت از جریان فتنه با افشای ماهیت، اهداف، عملکردها و وابستگی‌های آن‌ها به بیگانگان.

۱۳. تفهیم خطوط قرمز امنیتی و سیاسی و گروه‌ها و بروز اقتدار اطلاعاتی به عناصر فتنه‌گر.

۱۴. مهار و کنترل قانونی و قضایی احزاب، شخصیت‌ها و گروه‌های محرک اغتشاشات.

۱۵. همسو کردن اقدامات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با اهداف امنیت داخلی.

۳. مقابله: به کلیه اقدامات و تدابیری که در راستای بازگرداندن نظم و انضباط اجتماعی و دفع تهدیدات علیه امنیت، ارزش‌ها، باورها و اعاده امنیت روانی مردم انجام می‌گیرد، مقابله گویند.

۱. تشخیص و شناسایی کانون و محل بحران؛



۲. تهیه عکس و فیلم و مستندسازی از صحنه توسط عوامل خودی؛
۳. مدیریت و کنترل عوامل جریان رسانه‌ای داخلی و خارجی؛
۴. انجام عملیات روانی در صحنه؛
۵. قرق منطقه و کنترل جمعیت؛
۶. نفوذ دادن عوامل اطلاعاتی به درون جمعیت؛
۷. پیش‌بینی نقشه محل و راه‌های قرق آن؛
۸. فعال‌سازی و کار تخلیه متهمین و انتقال سریع؛
۹. مرحله‌بندی و تقسیم‌کار با ناجا؛
۱۰. رعایت تقدم به‌کارگیری یگان‌ها؛
۱۱. تقویت امنیت مراکز حیاتی، حساس و مهم؛
۱۲. تخصیص توان سازمان رزم موردنیاز؛
۱۳. مدیریت روان‌سازی عبور و مرور؛
۱۴. جداسازی و دستگیری محرکین و مسببین؛
۱۵. بازجویی متهمین بازداشت‌شده و کشف اقدام بعدی آن‌ها؛
۱۶. کنترل نقاط مشرف بر منطقه اغتشاش؛
۱۷. استفاده از حداقل نیروی موردنیاز؛
۱۸. تجزیه و تحلیل مرتب و مستمر از صحنه و اتخاذ تدابیر لازم؛
۱۹. هماهنگی با دستگاه‌های ذی‌ربط جهت کم کردن تلفات احتمالی؛
۲۰. عدم استفاده از سلاح گرم در اغتشاشات غیرمسلحانه؛
۲۱. مدیریت اقدامات افراد خودجوش؛
۲۲. پیش‌بینی احتیاط و محل استقرار آن؛
۲۳. حداقل تلفات از اغتشاشگران؛
۲۴. مستندسازی از متهمین در صحنه درگیری؛
۲۵. وحدت فرماندهی و تلاش در صحنه؛
۲۶. برقراری ارتباطات پایدار، امن و مناسب؛
۲۷. اجتناب از اعمال خشونت غیرضروری با اغتشاشگران.



- ۴. ترمیم و بازسازی:** به کلیه اقدامات و تدابیری که در راستای حل معضلات ناشی از اغتشاشات انجام می‌گیرد، ترمیم و بازسازی گویند.
۱. اطلاع‌رسانی مناسب به مردم و انجام عملیات روانی؛
 ۲. توجیه مسئولین، علما و نخبگان؛
 ۳. سرکشی به خانواده شهداء، مجروحین و آسیب‌دیدگان احتمالی و شرکت در مراسم آن‌ها؛
 ۴. کنترل خانواده‌های کشته‌شدگان و زخمی‌ها و دستگیرشدگان؛
 ۵. نگه‌داشتن احتیاط در نزدیک‌ترین محل به محل حادثه برای مقابله با احتمال تشدید بحران؛
 ۶. پاک‌سازی محل از آثار تخریب؛
 ۷. عادی و روان‌سازی امور در محل حادثه؛
 ۸. استقرار نیروهای انتظامی و راهنمایی و رانندگی؛
 ۹. تخلیه نیروهای امنیتی غیرضروری از محل؛
 ۱۰. مستندسازی کلیه وقایع به‌طور کامل، دقیق و تجزیه و تحلیل آن؛
 ۱۱. بازسازی و ترمیم روحیه نیروهای عمل‌کننده.



نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح شده در متن تحقیق نتایج بررسی تطبیقی اغتشاشات و مدیریت آن در کشور فرانسه و جمهوری اسلامی ایران در قالب جدول زیر ارائه می‌گردد.

عنوان	کشور فرانسه	کشور ایران
الگو مدیریت	مدیریت اغتشاشات یک راهبرد دوگانه بازدارندگی و اقدام بنانهاده شده است. مبنای بازدارندگی، اقدامات خشن پلیسی است که بازدارندگی را فراهم می‌آورد؛ اما راهبرد دوم مبتنی بر سه وظیفه مهم پیشگیری، اعزام نیرو و حفاظت است.	الگوی مدیریت اغتشاشات در ج ۱۱ پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله، ترمیم و بازسازی است مدارا و صبوری پلیس و کمک به رفع مشکلات
گروه‌های معترض	گروه‌های معترض اقلیت‌های قومی و مذهبی که در شرایط نامساعد به سر می‌بردند، حرکت‌های دانشجویی و جریانات روشنفکری راست و چپ، جوانان حومه پاریس و نسل سوم مهاجرین عرب آفریقایی تبار که والدین شان به فرانسه مهاجرت نموده‌اند.	گروه‌های معارض سلطنت‌طلب، منافقین و با برنامه‌ریزی کشورهای متخاصم و شارژ تبلیغاتی آنان اتفاق افتاده؛ و در برخی موارد به علت سوء مدیریت بوده است.
علل اغتشاش و خواسته‌ها	خواسته دانشجویان معترض عمدتاً سیاسی است و دلیل اصلی و اولیه راه افتادن جنبش‌هایی نظیر جنبش می تقابل دو دیدگاه راست و چپ و روشنفکرانه و سنتی است. فقدان احزاب پویا که در میان مردم پایگاه مستحکمی داشته باشند و بتوانند مطالبات روشنفکرانه و غیرسنتی را به سیاست تبدیل کنند، از جمله عوامل اغتشاش در فرانسه است. شرایط اقتصادی مردم فرانسه، تقابل فرهنگی مردم فرانسه و مهاجرین، قطب‌بندی موجود در این شهرک‌ها و شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی و نادیده گرفته شده مهاجران عامل اصلی حرکت آنان محسوب می‌شود. لذا اغتشاش اقشار مردمی فرانسه عمیقاً اجتماعی است. در این میان نباید اثرات سیاست‌های شهرسازی بیست‌ساله اخیر و سرخوردگی مردم فرانسه به‌ویژه نسل سوم مهاجران و رقابت میان «فرانسوی» و «خارجی» و نیز میان کارگران «دائمی» و «کارگران پیمانی مادام‌العمر» نادیده گرفت. این اغتشاش موجب نارضایتی‌های عمیق گشته و مردم را به فرورفتن در محیط‌های خانوادگی خود کشانده است. برخی علل ناآرامی‌های فرانسه را محصول نقش‌ها و تعارضات قومی - فرهنگی در جامعه فرانسه دانسته‌اند و برخی نظریه‌پردازان، فرصت را غنیمت شمرده و «مهاجرت» را به‌عنوان تنها علت اغتشاش‌ها معرفی کردند.	توسعه اقتصادی شعار محوری دولت آقای هاشمی رفسنجانی بود که فضای امنیتی کشور را برای هشت سال دستخوش تحول قرارداد که از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر این تأثیرات تغییر ارزش‌های جامعه و شدت یافتن نارضایتی‌های لایه‌های آسیب‌پذیر در جامعه بود که نهایتاً با بروز اغتشاشات شهری از حادثه مشهد خود را نمایان ساخته و بروز آن در بسیاری از شهرهای کشور سیستم امنیتی را با چالش جدیدی مواجه نمود لیکن به‌صورت فشرده باید گفت نارسائی‌ها و عملکردهای ضعیف و دلایل بی‌شمار دیگر موجبات نارضایتی عده‌ای را فراهم آوردند. روند رو به تزاید فعالیت‌های دولت در بخش اقتصاد در طول دو برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی کشور از سویی و عدم اتخاذ تدابیر لازم جهت پاسخگویی به رفع تبعات نامطلوب اجرای سیاست‌های انقباضی دولت و همچنین فقدان تحلیل مشخص از





اوضاع، نوعی نا کارکردگرایی سیستمی را موجب شده بود. به علاوه فقدان یک سیستم توجیه ملی در راستای اطلاع رسانی صادقانه و همه جانبه در خصوص فعالیت های دولت از یکسو و نیز بی کفایتی و سهل انگاری برخی مدیران اجرایی، اسباب متراکم شدن نارضایتی ها و در نهایت ایجاد شرایط اغتشاش آمیز در کشور را فراهم نموده بود. با بروز اغتشاشات منطقه ای و گسترش آن از جغرافیای نامحدود به وضعیت محلی و شهری، حساسیت های مختلفی در سیستم های امنیتی کشور ایجاد شد که باعث ورود مستقیم این نیروها و نیز تلاش جهت چاره اندیشی برای مدیریت اغتشاش های شهری در مواقع بروز آن گردید.		
در بعد از دفاع مقدس و برای توسعه اقتصادی و سازندگی کشور توسط رئیس جمهور وقت به علت سوء مدیریت و عدم رسیدگی به قشر آسیب دیده کشور باعث ایجاد نارضایتی هایی در سطح جامعه شد و به علت مدیریت ناصحیح باعث ایجاد نارضایتی های بعدی شد با شکل گیری انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی، حضور مردم در جای جای نهادهای انقلاب، باعث رابطه وثیق و تنگاتنگ مردم و حکومت گردید و چنانچه در هر جا از کشور نامنی و اغتشاش روی می داد، این خود مردم بودند که با بصیرت، مسئله را حل و فصل می کردند.	اجرای برنامه های اصلاحی در حوزه های مختلف نظیر کاهش و / یا حذف مالیات های مستقیم و بهبود خدمات عمومی پس از آنکه استفاده از روش های مرسوم موفقیتی در کنترل اغتشاش به دست نیاورد، پلیس با استفاده از گاز اشک آور، زور، تهدید و استقرار بالگرد برای بازداشت اغتشاشگران و خاموش کردن اعتراضات و کنترل اوضاع تلاش خواهد نمود. در صورت ادامه اغتشاش، استفاده از سلاح توسط پلیس و استقرار نیروهای ژاندارمری و ایجاد مراکز فرماندهی کنترل اغتشاش در مناطق اغتشاش زده و ناآرام و اعلام وضعیت اضطراری و مقررات منع رفت و آمد دنبال می شود. برای کنترل اغتشاش ها پلیس در برخی مناطق تعداد نفرات خود را تا بیش از ده برابر افزایش داده و با اعلام حکومت نظامی و تشدید مجازات بزهکاران به دستگیری و بازداشت و اخراج شهروندان فرانسوی و اتباع خارجی که در ناآرامی ها دست داشته اند، می پردازد. علی رغم آنکه برای دولت فرانسه انجام این کار بسیار سنگین است، لیکن در موارد ضروری، استفاده از کمک اتحادیه اروپا در دستور کار رهبران این کشور برای کنترل اغتشاش قرار دارد.	نحوه مقابله

جدول (۴): بررسی تطبیقی در کشور ایران و فرانسه



پیشنها‌ها

با توجه به تلاش این تحقیق برای ارائه الگوی کنترل اغتشاش در سطح عملیاتی و تاکتیکی و با نگرش به مطالعات انجام‌شده، راه‌کارهای زیر برای کنترل اغتشاش در ج.ا.ا. پیشنهاد می‌گردد:

- ◀ مردمی کردن کنترل اغتشاش؛
- ◀ ایجاد یک مرکز فوریت‌های امنیتی؛
- ◀ آموزش پلیس در جهت بالا بردن آستانه تحمل؛
- ◀ آموزش مردم در خصوص نحوه طرح اعتراضات و خواسته‌های خود؛
- ◀ اخذ خسارت از اغتشاش‌گران در راستای کاهش هزینه‌های اغتشاش؛
- ◀ اصلاح قوانین و مقررات؛
- ◀ آموزش و آگاه‌سازی مردمی جهت خودکنترلی اغتشاشات؛
- ◀ کاربرد حداقل خشونت (مردم‌داری، مردم‌یاری، مردم‌نوازی).



منابع و مأخذ

- براون، مایکل، علل وقوع درگیری‌های داخلی، ترجمه دوره عالی جنگ سپاه، انتشارات مؤسسه اندیشه ناب، تهران ۱۳۸۰
- بنی‌زاده موحد خامنه، سیما (۱۳۸۰)، «بررسی تأثیر حکومت در مشارکت سیاسی دانشجویان در سال‌های (۷۶-۱۳۶۸)» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران].
- بوئر، آلن و اگزوته، روفر، خشونت و ناامنی شهری، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران ۱۳۸۱
- جدی، سید مجید، (آبان ۱۳۸۳)، «بررسی مدیریت بحران در زمینه امنیت داخلی و ارائه الگوی بهینه در این مورد» موردپژوهش وقایع کوی دانشگاه تهران ۱۸ الی ۲۳ تیرماه ۷۸ [رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی]
- جیرانی، هوشنگ (۱۳۷۷)، «جنبش دانشجویی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]
- چیدری، علی، نقش ابزاری سیستم‌های امنیتی در مدیریت بحران‌های داخلی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فارابی)، تهران ۱۳۸۱
- حسن‌زاده، خلیل (۱۳۸۱)، «بررسی رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با امنیت و بحران در ایران» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]
- ر، ک، به گزارش سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، Observatoire des zones sensibles، انتشارات دیو، پاریس
- زکریایی، محمدعلی، کوی دانشگاه به روایت رسانه‌ها، انتشارات کویر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸
- فتحی‌زاده دهکردی، علی (۱۳۸۱)، «نقش جنبش اصلاحات در شفافیت و تحول جناح‌بندی سیاسی و توسعه تحزب» [دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]
- کریمائی، علی اعظم، بررسی کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز و چگونگی مهار آن توسط نیروی انتظامی (تحقیق درسی)، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران زمستان ۸۴
- عارفی، بهروز- شورش پابره‌نه‌ها در حومه پاریس <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=34544>
- قدیری، نیلوفر- فرانسه فلج شد- <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=38686>
- طاهری، سیامک- شورش فرانسه <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=39341>
- <http://www.barid.blogfa.com/post-43.aspx>- قاصدک ۱۳۸۴
- <http://www.aftab.ir>

